

## پروفسور محمدتقی زهتابی

### ستاره ای که در آسمان ادب و فرهنگ آذربایجان درخشید

به نقل از <http://ovrenci.mihanblogh.com>

در حالیکه کمتر از یک ماه به سالروز وفات مرحوم پروفسور محمدتقی زهتابی باقی است، برآن شدیم تا دوباره یاد و خاطره آن ابرمرد آذربایجان را گرامی بداریم فردی که به تنهایی یک ملت بود مرحوم زهتابی یک استاد و الگوی بلامنازع برای جنبش اصیل و مستقل دانشجویی آذربایجان بوده و خواهد بود نقش بی بدیل وی در بینانگذاری پایه های تئوریک حرکت ملی آذربایجان را کسی نمی تواند انکار کند فردی که هم در علم، هم در عمل و هم در اخلاق بی همتا بود هویت تحقیر شده آذربایجانیها را روحی دوباره بخشید و با فداکاری تمام تا آخرین لحظه از عمر پربارش را فدای آذربایجان و هویت اصیل آن نمود گرامی داشتن یاد و خاطره آن استاد بزرگوار بی شک وظیفه هر دانشجو و روشنفکر آذربایجانی است امیدواریم دوستان عزیز و فعال در جنبش دانشجویی آذربایجان هرگونه نقطه نظر خود را در ارتباط با چگونگی و نحوه برگزاری مراسم یادبود وی را از هم اینک طرح نموده و با برگزاری یک مراسم در شان عظمت وی بتوانیم دین خویش را بدیشان ادا کنیم راهنماییهای ارزنده فعالان غیر دانشجو و فارغ التحصیلان چراغی روشن برای دانشجویان جدید خواهد بود بنظر می رسد با توجه به قرار گرفتن مزار مرحوم زهتابی در شهر شبستر نقش و وظیفه فعالان این شهر و به ویژه دانشجویان دانشگاه آزاد شبستر پررنگ تر از بقیه دانشجویان باشد در پایان قسمتی از مقاله یکی از فعالین سابق دانشجویی را که به پاسداشت مقام استاد به نگارش درآمده است را جهت شناخت بیشتر دانشجویان جدید ورود در این قسمت درج نموده و منتظر نوشته های بعدی دوستان خواهیم بود

پروفسور محمدتقی زهتابی ستاره ای که در آسمان ادب و فرهنگ آذربایجان درخشید

#### اورین مقدم

اولین روز زمستان سال گذشته روزی بس حزن انگیز برای جامعه علمی کشور و مردم آذربایجان بود چرا که در چنین روزی آذربایجان یکی از فرزندان برومند و دانشمند خود را از دست داد و در غم از دست دادن او در ماتم و غزا نشست آری در آخرین روز پاییز سال 1377، پروفسور محمدتقی زهتابی ادیب و مورخ بزرگ آذربایجانی در خانه شخصی خویش در شبستر چشم از جهان فرو بست و دار فانی را وداع گفت

اینک در آستانه سالگرد درگذشت آن عالم فرزانه، شرح حال مختصری از زندگی و آثار آن مرحوم ارائه می گردد

\* \* \*

پروفسور محمدتقی زهتابی (کیریشچی) در 22 آذر ماه سال 1302 هـ در «چای محله سی» شهر شبستر در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشود پدرش با زهتابی خرج عایله را در می آورد در شش سالگی به کمک خواهرش در مکتب قرآن باتوان، قرانت قرآن و خواندن متون ترکی را یاد گرفت چنانکه خودشان می گفتند در خانه، ایشان را بالای کرسی می نشاندند و همه دور کرسی جمع می شدند و او برای فامیل کتاب های داستان قرانت می کرد

در سال 1309 وارد مدرسه دولتی جدید التاسیس شبستر شد و بعد از شش سال در سال 1315 تحصیلات ابتدایی خود را به اتمام رساند پس از آن به وسیله پدر از رفتن به مدرسه منع گردید و بدین ترتیب به مدت دو سال به کار کشاورزی و زهتابی پرداخت و سپس به خاطر علاقه ای که به آموختن داشت، به صورت پنهانی به تبریز نزد برادرش رفت و تا سال 1320 به مدت سه سال در دبیرستان فیوضات تا کلاس نهم درس خواند پس از آن وارد دانشسرای پسران گشته، در مدت دو سال آن مقطع تحصیلی را نیز با موفقیت به اتمام رساند طی سالهای 23 و 1322 در دبیرستان های رشدیه و ادب تبریز به تدریس مشغول شد در طول سال های 24 - 1320 در کلاسهای حاج یوسف شعار زبان عربی و در کلیسای کاتولیک ها زبان فرانسه را به خوبی یاد گرفت در سال 1325 که دانشگاه تبریز به وسیله حکومت ملی آذربایجان تاسیس شد، استاد در دانشکده ادبیات آنجا پذیرفته شده و به عنوان یکی از دانشجویان اولین دوره در آن دانشگاه مشغول تحصیل شد

پس از انحلال حکومت دموکرات آذربایجان به وسیله نیروهای ارتش پهلوی، استاد در سال 1327 برای فراگیری علم و تحصیل در زمینه ادب و تاریخ زبان ترکی به صورت قاچاقی وارد شوروی گردید

در آنجا با اشاره حزب توده و رهبران فرقه دموکرات به دو سال زندان محکوم شده، به سیبری فرستاده شد بعد از تحمل سه سال زندان در سیبری به دوشنبه تبعید گردید و سرانجام در سال 1333 (1954م) پس از سه سال تبعید توانست خود را به باکو برساند و در دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه دولتی باکو مشغول تحصیل گردد

همچنین از همین سال به عضویت هیأت علمی دانشکده خاورشناسی باکو در آمد و در آن دانشکده به تدریس زبان و ادبیات عرب پرداخت در سال 1969 با دفاع از تز دکترای خود با عنوان «زندگانی و خلافت ابونواس» مدرک دکتری گرفت و سه سال بعد موفق به اخذ لقب دوچنت شد در همین سالها با خانم دکتر خاور اسلان محقق زبان و ادبیات آذربایجانی ازدواج نمود که حاصل این پیوند دو فرزند به نامهای بابک و آذر بود

در طی سالهای اقامت در باکو و شوروی به دلیل مخالفت رهبران فرقه دموکرات آذربایجان، موفق به چاپ هیچ یک از آثار خود نگردید سرانجام در سال 1350 از شوروی خارج و به عراق و بغداد رفت و در دانشگاه بغداد به تدریس «زبان دیرین ترکی» و

«زبان فارسی» پرداخت در سال 1357 به دلیل پدید آوردن آثار علمی فراوان مفتخر به دریافت لقب پروفیسوری از دانشگاه بغداد گردید در طی سالها اقامت در بغداد، استاد به دفعات مسافرت‌هایی به آلمان نیز داشتند و در آنجا نیز مشتاقان علم و ادب از گنجینه دانش بی کران ایشان بهره مند می شدند

اما آنچه در طی این سالها قلب استاد را به درد می آورد، فراق و دوری از وطن بود ایشان که هدفش از سفر به خارج از کشور به دست آوردن علم و دانش به خصوص در زمینه ادب و فرهنگ آذربایجان - چیزی که با توجه به دوران خفقان رژیم منحوس پهلوی به دست آوردنش در ایران غیر ممکن بود - و انتقال آن به مردم سرزمینش بود، حال آن شایستگی را در خود می دید که به آغوش وطن بازگردد و سینه های تشنه طالبان علم را از دانش خود سیراب گرداند

وقوع انقلاب اسلامی، این امکان را برای استاد به وجود آورد دیگر آن خفقان قبلی از بین رفته بود و او می توانست در کنار مردم سرزمینش قرار گیرد به همین خاطر در پی نوشتن تقاضایی برای ورود به کشور و موافقت با آن، استاد در اوایل سال 1358 وارد کشور شد و از همان سال با ایجاد کرسی زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی در دانشگاه تبریز با عنوان استادی به تدریس زبانهای ترکی و عربی مشغول گردید اما متأسفانه دو سال بعد به بهانه های واهی و در عین بی گناهی به چهار سال زندان محکوم و پس از آزادی از زندان نیز از تدریس در دانشگاه محروم گردید بدین ترتیب استاد بار سفر بسته، رحل اقامت در خانه آبا و اجدادی خود در شبستر افکند و در آنجا مشغول مطالعه و بررسی و تحقیق و نویسندگی شد

سرانجام نیز در آخرین روز پاییز سال 1377 در حالیکه تنها چند روزی بود که از سفر علمی به آلمان برگشته بود، در اثر سکته قلبی (۹) در پشت میز مطالعه جان به جان آفرین تسلیم کرد

مراسم خاکسپاری آن عزیز از دست رفته با شکوه زیاد و با حضور بسیاری از شخصیت های علمی - فرهنگی آذربایجان در شهرستان شبستر انجام گرفت و بدین ترتیب مردی که تمام عمرش را در راه اعتلای وطن و ملت گذارده بود، به خاک سپرده شد هرچند که یادش برای همیشه در قلوب مردم آذربایجان زنده خواهد بود نگاهی به خصوصیات رفتاری و آثار قلمی پروفیسور محمدمتقی زهتابی

خصیصه ای که همگان در استاد به وضوح می دیدند، جوان دل بودن ایشان بود وی با آنکه در اواخر عمر 75 سال از سنشان گذشته بود، ولی پسان جوانی 20 ساله پر شور و شوق بود خستگی را نمی شد در چهره ایشان دید رفتارشان به خصوص با جوانان چنان بود که هرکس کمی با او هم صحبت می شد مجذوبش می گشت به دلیل همین مجذوبیتشان محبوب ترین فرد در بین دانشجویان و جوانان آذربایجانی به شمار می رفت

زندگانش بسیار بسیار ساده بود نه در خانه اش و نه در پوشش اش و نه در هیچ جای دیگر نشانی از تجمل نمی توانستی پیدا کنی بسیار ساده و بی ریا می زیست و به این سادگی نیز افتخار می کرد

هیچگاه پسان بعضی ها در مقابل سنوالی که جوابش را نمی دانست، از خود جوابی در نمی آورد و می گفت می گردم و پیدا می کنم عدم پیشرفت ملل شرق را در عدم ایجاد محیطی مناسب برای اقوام مختلف جهت برخورداری از حقوق ملیشان می دانست و معتقد بود تا زمانی که این چنین محیطی ایجاد نگردد، آن استعداد های طبیعی که در مردم مشرق زمین نهفته است هیچگاه به منصه ظهور نخواهند رسید

استاد در زمینه های مختلف علمی - ادبی صاحب نظر بودند ایشان با آنکه مورخی توانا بودند، شاعری پر قریحه نیز بودند در عین حال در ادبیات ترکی نیز از همگان سر بودند استاد به پنج زبان ترکی، فارسی، عربی، روسی و فرانسه احاطه کامل داشت و در جاهای مختلف به تدریس این زبانها پرداخته بود در زمینه شعر، اشعار بسیاری از ایشان چاپ شده است بمانند «پروانه نین سرگذشتی» (سرگذشت پروانه - بغداد)، «باغبان ائل اوغلو» (نگاهی به حرکات مشروطه و انقلاب پرشور مردم ایران به خصوص آذربایجانیان و تبریزیان در مقابل استبداد و استعمار و بررسی زندگانی یکی از قهرمانان و سرداران جنگهای 11 ماهه تبریز به نام حسین خان باغبان به صورت شعر - بغداد)، «چریک افسانه سی» (افسانه چریک - بغداد)، «بذ قلا سیندا» (در قلعه بذ - برلین)، «بختی یاتیمیش» (بخت خوابیده - بغداد)، «هستی نسیم» (بغداد)، «شاهین زنجیرده» (شاهین در زنجیر - تبریز)، «باغبان ائل اوغلو» (تکمیل شده - تبریز) و

اشعار استاد یکی از بهترین و پرمعنا ترین نمونه های شعر ترکی معاصر هستند و ایشان را می توان در زمینه شعر یکی از شاعران برجسته قرن حاضر در حوزه زبان ترکی خواند

استاد در زمینه ادبیات ترکی آذربایجانی دارای علمی سرشار و دانشی فراوان بودند، طوریکه شاگردان بسیاری علاوه بر ایران در خارج از کشور منجمله جمهوری آذربایجان، ترکیه، آلمان، سوئد و داشتند ایشان را می توان بزرگترین ادیب زبان ترکی در ایران در سده اخیر دانست، چرا که خدمات بسیار ارزنده ای در این زمینه انجام داده اند که می توان به موارد زیر اشاره کرد - تدریس زبان و ادبیات ترکی آذربایجانی بعد از ورود به ایران تا پایان عمر - در طول این 20 سال ایشان هزاران شاگرد در ساحة ادبیات پروراندند که اینک هر یک برای خود عالمی هستند

- تحریر و چاپ آثار ارزشمندی در مورد زبان و ادبیات منجمله «زبان آذری ادبی معاصر - آواشناسی، قواعد نگارش» (تبریز)، «موعاصیر ادبی آذری دیلی - سس، صرف» (تبریز)، «علم المعانی - لکسیکولوژی» (تبریز)، «قوی اولسون اون» (مجموعه حکایات - تبریز)، مقالات متعدد در روزنامه ها و مجلات مختلف از جمله وارلیق، امید زنگان، پیام اورمیه و «قواعد الفارسیه» (به زبان عربی - بغداد) و

با وجود مطالب بالا، تخصص استاد در زمینه تاریخ بود از ایشان دو اثر در زمینه تاریخی به چاپ رسیده است «جنایات 2500 ساله شاهان» (بغداد)، «ایران تورکلری نین اسکی تاریخی» (تاریخ دیرین ترکان ایران - جلد اول - از ماقبل از تاریخ تا حمله اسکندر -

تبریز)

کتاب اخیر که چند ماه پیش از درگذشت استاد از زیر چاپ خارج شد و به دست مشتاقان رسید مهمترین اثر چاپ شده ایشان است همانطور که می دانیم در زمان رژیم طاغوت به دلیل وجود افکار نژادپرستانه در خاندان پهلوی، وجود تبار ترک در ایران از سوی دولت و عالمان وابسته به آنان انکار می گردید حال آنکه قضیه هیچگاه چنین نبود و ترکان در تاریخ از اولین آفرینندگان تمدنهای بشری به شمار می آیند در این کتاب 870 صفحه ای اقوام از لحاظ زبان شناختی به سه گروه عمده تقسیم شده اند التصاقی، تحلیلی (قالبی) و هجایی التصاقی مانند ترکی، فنلاندی، مغولی - تحلیلی مانند فارسی، انگلیسی، عربی - و هجایی بسان چینی استاد که در نوشتن این کتاب از منابع مختلفی به زبانهای مختلف سود برده اند، ثابت نموده اند سومریان که اولین پدید آورندگان تمدن بشری به حساب می آیند، التصاقی زبان بوده اند و زبان آنها صورت قدیمی زبان ترکی آذربایجانی امروزی است همچنین در این کتاب در مورد اقوام متعددی که قبل از آمدن اقوام هند و اروپایی به ایران، در این سرزمین می زیسته اند بحثهای فراوان و دلپذیری انجام گرفته و با استناد به منابع متعدد ثابت گردیده که زبان همه آن اقوام (اقوامی که در آذربایجان و غرب ایران می زیسته اند) التصاقی بوده است از این اقوام می توان ایلامی ها، قوتی ها، لولوبی ها، اورارتوها، کاسسی ها، اوتی ها، مانناها و سرانجام مادها را نام برد این کتاب حاوی مطالب بسیار مهم تاریخی است و بحثهایی که در آن رفته و نظریاتی که در آن ارائه شده بسیار نو و بر اساس منطق و اسناد هستند

البته آثاری که در بالا از آنان نام برده شد تنها حدود یک چهارم آثار نوشته شده توسط پروفیسور زهتابی هستند و بقیه آثار ایشان هنوز به زیور طبع آراسته نشده اند

توضیح بعد از نگارش این نوشته، یعنی در طی شش سال گذشته بسیاری از آثار قلمی پروفیسور زهتابی به وسیله مرکز نشر آثار ( استاد و با همت شاگردان ایشان چاپ شده اند که از بین آنها می توان به «ایران تورکلری نین اسکی تاریخی - ایکینجی جلد»، «آذربایجان تورکجه سی نین نحوی»، «علی آغا واحیددن خاطیره لریم»، «شاهین زنجیرده» و اشاره کرد

روحش شاد و راهش پر رهرو باد

تاریخ نگارش 1378/9/26 \*